

رابطه‌ی کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی اقلیت‌های قومی

(مورد مطالعه اقلیت جوگی و گودار استان مازندران)

لیلا فرقانی^۱، علی رحمانی فیروزجاه^۲، ناصر حجازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴

چکیده

طرد اجتماعی عبارت است از محرومیتی طولانی مدت که به جدایی از جریان اصلی جامعه می‌انجامد. فرآیندی که در نتیجه‌ی آن، افراد و گروه‌های اجتماعی معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند. این پژوهش با هدف رابطه‌ی کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی اقلیت‌های قومی جوگی و گودار استان مازندران تدوین شده است. روش مقاله پیمایش بوده و مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش-نامه‌ی محقق‌ساخته است. جامعه‌ی آماری، گودارها و جوگی‌ها مناطق حاشیه‌نشین با حجم نمونه‌ی ۲۷۷ نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. بر اساس یافته‌های تحقیق بین کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی رابطه وجود دارد. بین کیفیت اجتماعی و ابعاد طرد اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به نمره‌ی مطلوب مؤلفه‌ها، معادلات ساختاری از برازش و نیکویی کافی برخوردار است. از دیگر نتایج این است که متغیرهای اصلی پژوهش یعنی متغیر کیفیت اجتماعی به همراه مؤلفه‌های آن از یک سو و متغیر طرد اجتماعی از سوی دیگر وضعیت نامطلوبی در میان نمونه‌ی آماری مورد مطالعه نشان می‌دهند. این وضعیت در مورد متغیرهای اولیه یا زمینه‌ای نیز تا حدود زیادی صادق می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت اجتماعی؛ طرد اجتماعی؛ اقلیت‌های قومی؛ گروه‌های اجتماعی مطرود؛

آسیب اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

leyla_forghani@yahoo.com

^۲ دانشیار جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده‌ی مسؤول) arfi348@gmail.com

^۳ دانشیار، جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران، info@dehaghan.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

طرد اجتماعی به معنای محروم‌شدن از مشارکت در نهادهای اجتماعی و نقض حقوق انسانی و مدنی تعریف شده است و به تعریف دیگر به معنای فرآیند جدایی و گسست از بازار کار، اجتماعات و سازمان‌های اجتماعی است. ایده‌ی طرد اجتماعی که اکنون مورد استفاده‌ی سیاست‌مداران نیز قرار می‌گیرد برای نخستین‌بار از سوی جامعه‌شناسان و برای اشاره به منابع نوین نابرابری مطرح شد که سازه‌ای چند بعدی است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶) و طی آن، روابط بین افراد یک گروه و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقض و سست می‌شود و در نتیجه در معرض انواع مخاطرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرند (قاضی نژاد و سالوان پور، ۱۳۸۷: ۱۴۳). طرد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌ها از مسایلی نظیر بیکاری، تبعیض، مهارت‌های کم، درآمد پایین، از هم پاشیدگی خانوادگی و... رنج می‌برند (فیروزآبادی، صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶).

به رغم این که می‌توان مدعی شد طردشدگی اجتماعی همواره در جوامع وجود داشته است، نمی‌توان از تأمل در چرایی وجود آن چشم‌پوشی کرد. همسان‌نبودن یک گروه با گروه یا گروه‌های جمعیتی مسلط، غالب و صاحب قدرت به آن گروه جایگاه فرودستی می‌دهد که ممکن است به دلیل غیر اکتسابی و در بسیاری از موارد ناخواسته، از قبیل جنسیت، قومیت، مذهب، سن، بیماری و طبقه‌ی اجتماعی در حاشیه‌ی گروه‌های اکثریت و مسلط قرار گیرد، طرد شود و به عنوان فرودست تعریف شوند از این رو مطالعه‌ی فرآیند طرد اجتماعی گروه‌های مطرود و ارتباط آن با ساختارهای کلان و نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند هم توجه را به این گروه‌ها و مسایل خاصشان جلب کند و هم با آشکارکردن سازوکار عمل نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و طرد اجتماعی، بستر لازم برای حل بسیاری از مسایل و آسیب‌های اجتماعی را فراهم سازد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳).

رشد شتاب‌زده‌ی شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بدون همراهی رشد و توسعه‌ی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، شهرها را با مشکلات و معضلات متعددی مواجه کرده است که پدیدآمدن محله‌های حاشیه‌نشین در اطراف شهرهای بزرگ می‌باشد (رضایی و کمانداری، ۱۳۹۳: ۱۷۹). رشد این سکونت‌گاه‌ها منجر شده تا برخی از گروه‌های اجتماعی و حاشیه در حاشیه‌ی برخی شهرها سکنی گزینند و نتوانند دانش و تخصص لازم جهت اشتغال در مشاغل دولتی و یا غیر دولتی را کسب کنند و در متن جامعه بومی پذیرفته و یا جذب شوند (ریاحی، ۱۳۸۱: ۶). از

جمله‌ی این گروه‌ها در سطح استان مازندران، گودارها و جوگی‌ها هستند که در مناطق حاشیه‌ی شهرها زندگی می‌کنند. گودارها یکی از اقوام مهاجری هستند که در منابع تاریخی و مجاورت مردم مازندران با نام‌های متفاوتی همچون «گدار» یا «گودار» و برخی عناوین دیگر خوانده شده‌اند. این قوم تیره‌ای از خنیاگرانند که در مقاطع مختلفی از تاریخ، همراه با آهنگران، بازیگران و نجاران از شبه قاره هند به سرزمین ما کوچانده شده‌اند (نجاتی، ۱۳۹۵: ۳-۲). از سویی نقل قول‌های پراکنده از اصل و نسب و منشاء قومی جوگی‌ها، حاکی از عدم وجود اجماع و توافق میان صاحب‌نظران بر سر منشاء قومی آن‌هاست. ولی در اغلب مناطق مازندران عامه مردم معتقدند که خاستگاه اصلی آنان شمال هندوستان است و در زمان ساسانیان به این منطقه آورده شده‌اند (ریاحی، ۱۳۸۱: ۴). امروزه این دو قوم به عنوان اقلیتی غیر رسمی در فرهنگ، آداب و رسوم و زبان مازندرانی مستحیل شده‌اند. در سراسر استان خصوصاً مناطق شرقی، در مناطق حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی پراکنده‌اند. رنگ پوست، رسوم و شیوه‌های بدوی زندگی و همچنین موسیقی آن‌ها مبین هویت قومی آنان است. مجموعه نشانه‌های موجود حکایت از آن دارد که گودارها، نخست جهت گذراندن زندگی، عهده‌دار امور موسیقی و ساخت ادوات و ابزار آن بوده‌اند، ولی بعدها در اثر فشار برخی از گروه‌های مذهبی بومی ناچار شدند تا از حرفه‌ی اصلی خود دست برداشته و به مشاغل چون شبپایی و میرشکاری تن دهند (نجاتی، ۱۳۹۵: ۳-۲). زندگی در مناطق حاشیه‌نشین این اقوام دارای ویژگی‌هایی است که فقر، تحقیر اجتماعی، عدم پذیرش توسط بومیان ساکن در محلات مجاور، فقدان حداقل شرایط بهداشتی حتی با توجه به معیارهای محلی، بی‌بهره ماندن از کلیه‌ی خدمات شهری، سطح پایین سواد و تحصیلات، پایین بودن درآمد، رواج برخی از آسیب‌های اجتماعی و... از جمله‌ی آن است (ریاحی، ۱۳۸۱: ۱۹). اکثر این حاشیه‌نشین‌ها به دلیل عدم دسترسی به مشاغل اقتصادی شهر همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص مجبور به تداوم زندگی در این مناطق می‌شوند و فقر در این مناطق موجب می‌شود که ساکنین این محله به مشاغل کاذب رو بیاورند (صالحی امیری و خدائی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). آن‌ها به دلیل این که عضو این گروه‌ها بودند، جهت کسب درآمد و دستیابی به رفاه، در مقایسه با شهروندان بومی برای رهاشدن از بند مشکلات زندگی، ارتکاب به انحرافات و جرایم اجتماعی را امری عادی و حتی پسندیده تلقی می‌نمایند. از این رو بررسی وضعیت طرد گروه‌ها و عوامل مؤثر بر آن می‌تواند در تدوین بهتر سیاست‌های مرتبط با رفاه اجتماعی اثرگذار باشد که از جمله می‌توان به کیفیت اجتماعی اشاره کرد. کیفیت اجتماعی با ابعادی از قبیل انسجام اجتماعی، امنیت اجتماعی - اقتصادی،

توانمندسازی و.... عاملی است که قدرت افراد را برای نگهداشت روابط سالم و منسجم با جامعه افزایش می‌دهد (وحید، ۱۳۹۳: ۹). اعضا از طریق کنش‌های اجتماعی حمایت می‌شوند تا در میدان رقابت‌ها و رفاقت‌ها فعالانه مشارکت کنند و در فرآیند شمول اجتماعی به بهبود اوضاع جامعه کمک کنند. در مقابل، هر زمان که روابط افراد با گروه‌های اجتماعی آسیب ببینند، پیوندها گسسته و فاصله و جدایی اجتماعی پدید می‌آید و گروهی از اجتماع و جامعه طرد و از بسیاری امتیازها و حقوق انسانی محروم می‌شوند که ممکن است داوطلبانه، آگاهانه و یا اجباری و ناآگاهانه صورت گیرد و به یکی از دو نوع طرد (اختیاری و اجباری) منجر گردد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳).

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده، محقق در تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بین کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی رابطه وجود دارد؟ آیا تئوری کیفیت اجتماعی از میزان تبیین‌کنندگی لازم برای مفهوم طردشوندگی ساکنین حاشیه‌ی شهر برخوردار می‌باشد؟

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات داخلی

- محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تجربه‌ی طرد اجتماعی (مورد مطالعه هه ورامی‌های شهر مریوان)»، نشان دادند که هه ورامی‌ها از سوی سورانی‌ها در میدان فرهنگی هم طرد می‌شوند که در میدان اجتماعی واکنش آن‌ها، تمایزگذاری از طریق معاشرت‌ها و فعالیت‌های درون گروهی (به ویژه به مثابه تمایز زبانی / لهجه‌ای) است.

- نامنی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی دیگر که با هدف بررسی تأثیر طرد اجتماعی غربت‌ها بر احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهر سبزوار انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین طرد اجتماعی اقلیت غربت‌ها با امنیت اجتماعی ساکنان شهر سبزوار رابطه وجود دارد. به عبارتی هرچه افراد و یا گروه‌های اجتماعی خاص بیش‌تر طرد شوند و در انزوا قرار گیرند، امنیت اجتماعی افراد جامعه به همان اندازه به خطر می‌افتد.

- در تحقیق دیگر، سبکتکین ریزی و موسی زاده (۱۳۹۶) به بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی بین کیفیت زندگی و طرد اجتماعی پرداختند. نتایج نشان داد بیش از نیمی از اجتماعات هدف، از نظر میزان طرد اجتماعی در سطح بالا و ۴۰/۸ درصد نیز در سطح متوسط قرار دارند. بین طرد اجتماعی و ابعاد کیفیت زندگی شامل مسکن، امکانات و خدمات شهری، حمل‌ونقل شهری، تفریحات و سرگرمی‌ها، امنیت و ایمنی و محیط زیست هم تغییری وجود دارد.

- زاهدی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با هدف طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که در زندگی زنان پژوهش شده، ۵ مقوله‌ی عمده در شکل‌گیری طرد اجتماعی نقش دارد که عبارت‌اند از: «ضعف سرمایه‌ی فرهنگی»، «محدودیت‌های مادی»، «رویکرد منفی به فقرا»، «طرد ناشی از تجرد» و «حوادث منفی زندگی». دو مقوله‌ی عمده «اجتناب از ادغام اجتماعی» و «عواطف منفی» از پیامدهای این مسأله‌اند که باعث تقویت و تداوم این پدیده می‌شود.

- وحیدا و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی با هدف نشاط عمومی در زندگی اجتماعی- فرهنگی شهر: مطالعه‌ای با رویکرد تئوری کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل، نشان دادند بین کیفیت اجتماعی و نشاط عمومی همبستگی و رابطه‌ی معناداری وجود دارد و بیانگر این واقعیت است که در این پژوهش، تئوری کیفیت اجتماعی هم به عنوان تئوری و هم به عنوان رویکرد برای تبیین نشاط عمومی، توسط نتایج این پژوهش، حمایت می‌شود.

مطالعات خارج کشور

- اشنايدر^۱ (۲۰۲۰) مسأله‌ی رابطه‌ی میان کیفیت اجتماعی را با طرد اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است. کیفیت اجتماعی در این پژوهش شامل ۴ مؤلفه‌ی ثبات اجتماعی، رضایت اجتماعی (یا رضایت از جامعه)، حضور اجتماعی (به معنای پذیرش فرد برای حاضر بودن در جامعه و نه ناراضی بودن از این قضیه) و مشارکت اجتماعی در نظر گرفته شده است. داده‌ها نشان داده که رابطه‌ی معنادار اما معکوسی میان این دو متغیر وجود دارد. به این معنا که آن دسته از افرادی که کیفیت اجتماعی پایینی را گزارش کرده بودند، طرد اجتماعی را بیش‌تر تجربه کرده‌اند و برعکس، کیفیت اجتماعی در میان آن دسته از پاسخ‌گویانی که طرد اجتماعی بالایی را گزارش کرده بودند، به شدت پایین بود.

- اواماری و هیترمار^۲ (۲۰۲۰) نشان داده‌اند که افرادی که در آلمان طرد اجتماعی را احساس کرده‌اند، پس از مدتی از لحاظ روانی، دچار برخی از بیماری‌ها شده‌اند. یا در تحقیقی دیگر، این دو محقق دریافته‌اند که طرد اجتماعی ممکن است به مزوی شدن کامل افراد در جامعه منجر گردد. همچنین این دو تحقیق نشان داده‌اند که مزوی شدن باعث می‌شود زندگی فرد از لحاظ

^۱- Schneider

^۲- Avemarie & Hintermar

فردی و اجتماعی دچار آسیب و مشکل گردد. به طوری که شخص اغلب گوشه‌گیر شود و رابطه‌ی خود را با دیگران کاهش بخشد.

- مطالعه‌ی دتان و زادین^۱ (۲۰۱۷) که بر روی اطرافیان افرادی که دچار طرد اجتماعی شده‌اند، انجام شده است، نشان می‌دهد که این اشخاص، روابط اجتماعی خود را بسیار کاهش داده‌اند و حتی در زندگی فردی خود هم دچار مشکل شده‌اند: از جمله این که مثلاً نسبت به بسیاری از امور بی‌انگیزه شده‌اند؛ کارهای شخصی خود را انجام نمی‌دهند؛ در مصرف و سبک زندگی خود دچار تغییر شده‌اند و... از همین رو به دلیل آثار ناشی از طرد اجتماعی بر روی افراد از یک سو و بر روی اجتماع از سوی دیگر، طرد اجتماعی و عواقب و پیامدهای آن مورد مطالعه‌ی برخی از محققان در کشورهای پیشرفته قرار گرفته است.

- برمن و فیلپس^۲ (۲۰۱۶) پژوهشی را در رابطه با شاخص‌های کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی در میان سطوح ملی و اجتماعی جامعه در عربستان طراحی کرده و نشان دادند که کیفیت اجتماعی گروه‌های مطرود نسبت به دیگر گروه‌ها پایین‌تر می‌باشد.

- تالن^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه‌ی رابطه‌ی میان کیفیت اجتماعی و پذیرش اجتماعی پرداخته است. کیفیت اجتماعی در این پژوهش دارای ۴ بعد امنیت اجتماعی - اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، انسجام اجتماعی و شمول اجتماعی در نظر گرفته شد. معیارهای طرد اجتماعی شامل بیکاری علی‌رغم برخورداری از تحصیلات، عدم برخورداری از درآمد کافی، نداشتن مسکن، عدم مشارکت یا اعتماد نسبت به نهادهای جامعه و... و معیارهای پذیرش شامل گرایش فرد به مشارکت در جامعه، حضور او در جامعه، برخورداری از اشتغال، داشتن درآمد، داشتن رضایت نسبی از جامعه و... در نظر گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که آن دسته از پاسخ‌گویانی که پذیرش بالاتری در جامعه دارند، هم رضایت بیش‌تری را ابراز می‌کنند و هم کیفیت اجتماعی بیش‌تری را گزارش می‌کنند؛ در حالی که آن دسته از پاسخ‌گویانی که کیفیت اجتماعی پایین‌تری داشته‌اند، بیش‌تر دچار طرد اجتماعی بوده‌اند تا پذیرش اجتماعی.

در رابطه با متغیر طرد اجتماعی مطالعات متعددی در داخل کشور صورت گرفته است؛ اما در زمینه‌ی کیفیت اجتماعی تنها یک مطالعه با هدف نشاط عمومی با رویکرد تئوری کیفیت

^۱ -Dotan & Zaidman

^۲ Berman & Phillips

^۳ Tallen

اجتماعی انجام شده است. در خصوص ارتباط بین دو متغیر، مطالعات خارجی صورت گرفته است، اما در داخل کشور تحقیقی انجام نشده است. بنابراین مقاله‌ی حاضر با هدف مطالعه‌ی طرد اجتماعی و کیفیت اجتماعی در بین قومیت ایران و به ویژه در مازندران جدید می‌باشد. از این رو، نگارنده به دنبال مطالعه‌ی جامعه‌شناختی گروه‌های مطرود اجتماعی (اقلیت‌های قومی گودار و جوگی) با رویکرد کیفیت اجتماعی می‌باشد. ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که غالب‌ترین گروه مطرود در استان مازندران گودارها و جوکی‌ها هستند و با توجه به مهاجرپذیربودن استان، سایر اقوام از کیفیت اجتماعی مناسب‌تری برخوردارند.

ادبیات نظری

طرد اجتماعی

طرد اجتماعی با ناتوانی گروه‌ها یا افرادی خاص برای مشارکت کامل اجتماعی مرتبط است که به دلیل نابرابری‌های ساختاری، دسترسی آن‌ها به منابع ارزشمند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کاهش یافته است (احمدیان، کسرائی، ۱۳۹۷: ۱۲). درواقع در حالت طرد اجتماعی، فرد هم احساس می‌کند که از جامعه جدا است و هم این که به لحاظ عملی در عرصه‌های زیادی از اجتماع، حضور ندارد. محققان طرد اجتماعی را شامل مؤلفه‌های زیادی می‌دانند و منظور از آن، این است که طرد اجتماعی می‌تواند در حوزه‌های مختلفی نظیر طرد از اجتماع، طرد از همسایگی، طرد از روابط اجتماعی، طرد از منابع مالی و طرد از خدمات اساسی رخ دهد. زمانی که فرد این انواع طردها را در خود احساس می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که تقریباً از تمام بخش‌های جامعه، طرد شده است و به این ترتیب به این نتیجه می‌رسد که دیگر نمی‌تواند در این جامعه به زندگی خود ادامه دهد. به طوری که روز به روز بیشتر طرد می‌شود و دیگر خود را از جامعه جدا می‌داند و سعی می‌کند به صورت منزوی و به دور از دیگران زندگی کند (اوماری، هیترمار ۲۰۲۰: ۲۲۴).

از دهه‌های پایانی سده‌ی بیستم، به مرور شاهد سر بر آوردن و گسترش مفهوم طرد اجتماعی هستیم که رفته رفته جای مفهوم کلاسیک فقر را در حوزه‌ی اجتماعی گرفته و به یکی از موضوعات کانونی در سیاست‌گذاری اجتماعی تبدیل شده است (خواجه صالحانی و اعظم آزاده، ۱۳۹۴: ۹۲). از این رو، به لحاظ اجتماعی، فردی مطرود است که ۱- به لحاظ جغرافیایی مقیم در یک جامعه باشد؛ ۲- در فعالیت‌های روزمره و متعارف شهروندان آن جامعه مشارکت نداشته باشد.

بوچارت^۱ از صاحب‌نظران این حوزه معتقد است که فقدان مشارکت در فعالیت‌های اصلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در یک جامعه، عنصری کلیدی در اغلب تعاریف موجود از طرد اجتماعی است که آن را از مفاهیمی مانند فقر و محرومیت متفاوت می‌سازد (قاضی نژاد، ساوالان پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

سیلور (۲۰۰۷) که به دلیل پژوهش‌های گوناگون خود، از صاحب‌نظران حوزه‌ی طرد اجتماعی به شمار می‌رود، سه رویکرد و جهت‌گیری کلی را در رابطه با طرد اجتماعی مطرح می‌کند:

الف) مفهوم طرد در سطح کلان: مفهوم کلان طرد در واقع جایی است که صحبت از ظرفیت ساختاری عضویت اجتماعی مطرح باشد. در این سطح، گروه‌ها و اشخاص مطرود اجتماعی، دچار عدم توانایی یا فقدان دسترسی به فرصت‌های ساختاری می‌شوند.

ب) مفهوم طرد در سطح خرد: طرد در این سطح، موجب قطع پیوندهای اجتماعی‌ای می‌شود که گروه‌ها را به هم متصل می‌سازد. در این جا بدون این‌که نگاهی جدی به نقش ساختارهای مطرودساز افکنده شود، تأکید بر روی روابط میان افراد و گروه‌هاست.

ج) مفهوم طرد در هر دو وجه: در این حالت، طرد در عین حال که پدیده‌ای خرد است، پدیده‌ای کلان نیز محسوب می‌شود. این رویکرد می‌تواند از دو رویکرد قبلی که در آن طرد، روابط گروهی و میان اشخاص را مورد توجه قرار می‌دهد، متمایز شود، زیرا نه فقط افراد مطرود، بلکه نهادها و اشخاص مطرودساز را هم که از این جریان بهره‌مند می‌شوند، در بر می‌گیرد (سیلور، ۲۰۰۷: ۵).

سه گفتمان رایج نیز در مورد طرد اجتماعی وجود دارد که درواقع، شیوه‌های اندیشیدن به طرد هستند: **گفتمان باز توزیع گرایانه:** معطوف به کارگران، فقرا و همچنین نیروهای اجتماعی‌ای است که موجب فقر می‌شوند. **گفتمان اخلاقی طبقه‌ی زیرین (یا وابستگی اخلاقی گروه‌های فرودست):** با توجه به این‌که مددکاری اجتماعی، تبیینی فرهنگی از محرومیت به دست می‌دهد و ناظر به این است که مطرودها به سبب پاره‌ای نگرش‌های انحرافی، ضعف‌های اخلاقی و رفتارهای مجرمانه‌ی خودشان از جریان اصلی جامعه طرد می‌شوند.

1- Burchardt

گفتمان ادغام‌گرایانه (یا انسجام‌گرا) رهاورد تفکر نودورکیمی است و رسیدن به یکپارچگی در چارچوب نظم اجتماعی فراگیر را جست‌وجو می‌کند. در مجموع، رویکردهای نظری مرتبط با طرد اجتماعی در دو دسته‌ی عمده جای می‌گیرند: دسته‌ی اول را می‌توان کار کردگرا (دورکیمی) خواند که طرد را محصول ادغام نشدن فرد در گروه گسترده‌تر و رانده‌شدن فرد یا گروه به بیرون از جریان اصلی زندگی می‌دانند. دسته‌ی دوم از رویکردهای نظری مارکس، ویر، فوکو و پارکین^۱ تأثیر پذیرفته‌اند، مطرودها را افرادی درون ساخت اجتماعی می‌دانند که به واسطه‌ی ادغام در روابط نابرابر قدرت طرد شده‌اند. پارادایم انحصار (سیلور)، نزدیک به این رویکرد است (لویتاس ۲۰۰۵ به نقل از ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۵۱).

کیفیت اجتماعی^۲

دانشمندان علوم اجتماعی مدتهاست تلاش زیادی کردند تا با استفاده از داده‌های قابل اعتماد ایجادشده و ساخته‌شده با منطق منسجم و یکپارچه، شرایط اجتماعی را با یک روش علمی نشان دهند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف تلاش کردند تا برخی از پدیده‌های اجتماعی را به یک ساختار تحلیلی منسجم متصل کنند تا نیازهای تحقیقاتی آنان برآورده شوند. در میان بسیاری از تئوری‌های جامعه‌شناسی، یکی از برجسته‌ترین آن‌ها تئوری کیفیت اجتماعی است که به عنوان شاخص اندازه‌گیری واقعیت اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کیفیت اجتماعی رویکرد نسبتاً جدیدی است که در سال ۱۹۹۷ شکل گرفته است و به عنوان یک تئوری جدید و یک نوع رویکرد پژوهشی، مورد توجه محققان قرار گرفته است که به حوزه‌ی امنیت اقتصادی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی اشاره دارد، حاصل رابطه‌ی بین فرآیندهای جهانی و بیوگرافیکی از یک سو و سیستم‌ها، موسسات و جوامع از سوی دیگر هستند (لاک ورد، ۱۹۹۲ به نقل از وحید، ۱۳۹۳: ۸).

در این تئوری یک ساختار مفهومی برای درک کیفیت جامعه از طریق تحلیل سه مجموعه عامل قانونی، وضعیتی (شرطی) و عامل‌های هنجاری وجود دارد. دانشمندان اجتماعی (مانند فیلیس، ۲۰۱۱) ویژگی تئوری کیفیت اجتماعی را برشمردند و آن را اجتماعی‌محور، شناسایی می‌کنند. کیفیت اجتماعی، ساختاری مفهومی از تحلیل را برای جامعه ارائه می‌کند. تأکید روی

^۱ -Marx, Weber, Foucault, parkin

^۲ Social Quality

رابطه‌های اجتماعی و نام‌های اجتماعی است. می‌سن و والکر^۱ (۲۰۱۱) استدلال می‌کنند که کیفیت اجتماعی فقط تجمیع یا انبوه کیفیت زندگی تک تک افراد نیست و از نظر بک^۲ و دیگران (۲۰۰۱) هدف از رویکرد کیفیت اجتماعی، ساختن گفت‌وگو بین خود محقق‌سازی افراد و تشکیل هویت‌های گروهی است (لاندا و همکاران، ۲۰۰۷ به نل از لین، ۲۰۱۳: ۳۱۶). در تحلیل این رویکرد که کانون تمرکز آن نظام اجتماعی است، به طور کل، بعد رابطه‌ای اصل اجتماعی منعکس می‌شود. سپس تحلیل آن باعث شد که توجه ما به طرف تحلیل بافتی نظام اجتماعی فراتر از شاخص‌های کیفیت زندگی رود. با توجه به مطالب طرح شده، چارچوب نظری این پژوهش بحث کیفیت اجتماعی به عنوان معیاری برای تبیین طرد اجتماعی برای افرادی که در حاشیه‌ی برخی شهرهای استان مازندران به عنوان گروه مطرود زندگی می‌کنند استفاده شده است. اوماری^۳ (۲۰۲۰) از جمله نظریه‌پردازان اصلی و نوین طرد اجتماعی است. او رابطه‌ی طرد اجتماعی را با ۴ متغیر کیفیت اجتماعی، دین‌داری یا مذهب، فردگرایی و سکولاریسم مورد مطالعه قرار داده است. محقق پس از تحلیل مفهومی به این نتیجه رسیده که به لحاظ تئوریک و نظری، میان کیفیت اجتماعی و فردگرایی با طرد اجتماعی رابطه وجود دارد. این مسأله به این معنا است که کیفیت اجتماعی می‌تواند طرد اجتماعی را در میان مردم تحت تأثیر قرار دهد. به عبارت دیگر کیفیت اجتماعی، می‌تواند از طریق ساز و کارهای مختلف بر طرد اجتماعی مؤثر باشد. وی در این میان به سه سازوکار اشاره می‌کند: نخست این که کیفیت اجتماعی پایین، باعث می‌شود فرد اعتماد به نفس خود را تا حدودی از دست بدهد و احساس کند که مانند دیگران نمی‌تواند در جامعه زندگی کند. دوم این که کیفیت اجتماعی باعث می‌شود فرد تنها با گروه‌های خاصی از جامعه رابطه داشته باشد. درواقع در این جا فرد به جای این که ارتباطات خود را با دیگران قطع کند، می‌کوشد تنها با گروه‌های خاصی از جامعه برخورد کند. در حالت دوم، فرد روابط خود را با گروه‌های خاصی از جامعه توسعه می‌دهد و در نتیجه تنها با بخش‌های دیگری از جامعه دچار طرد می‌شود. به اعتقاد اوماری (۲۰۲۰) این افراد نیز دچار طرد اجتماعی‌اند؛ زیرا بخش‌های زیادی از جامعه هستند که این گروه با آن‌ها رابطه ندارند و درواقع آن‌ها را طرد می‌کنند. سرانجام سومین و آخرین سازوکار طرد اجتماعی، مقوله‌ی «انگ اجتماعی» است. وی انگ اجتماعی را شامل این مفهوم می‌داند که زمانی

1 - Mason and Walker

2 - Beck

3 - Avemarie,

که فرد کیفیت اجتماعی پایینی دارد، دیگران ممکن است از برخورد و مراوده‌داشتن با او خودداری کنند؛ زیرا چنین تصور می‌کند که او یا متعلق به طبقه‌ی آن‌ها نیست؛ به همین دلیل افرادی که کیفیت اجتماعی پایینی دارند، به تدریج احساس می‌کنند که دیگران در حال فاصله‌گرفتن از آن‌ها می‌باشند. البته این مسأله به این معنا نیست که همه‌ی مردم از این گروه‌ها فاصله بگیرند، بلکه گروه‌های خاصی از مردم از آن‌ها فاصله می‌گیرند. اما در هر صورت مقوله و مسأله‌ی طرد اجتماعی در مورد آن‌ها رخ می‌دهد (اوماری و هیتنمار، ۲۰۲۰: ۲۶۶-۲۶۳).

این نظریه‌پردازان مؤلفه‌های طرد اجتماعی را که از محققان دیگر استخراج و استنباط کرده است، با کیفیت اجتماعی در رابطه گذاشته و بر این باور هستند که این مؤلفه‌ها نیز از طریق مجموعه‌ای از سازوکارها بر طرد اجتماعی تأثیر می‌گذارند. به عنوان اولین مؤلفه بیان می‌سازند که کیفیت اجتماعی، بر طرد افراد از همسایه‌ها که یکی از نزدیک‌ترین گروه‌ها به هر شخص را تشکیل می‌دهند، تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر بیان می‌کنند که کسانی که کیفیت اجتماعی بالایی دارند، به صورت راحت‌تری می‌توانند به منابع مالی دست پیدا کنند؛ در حالی که براساس همین نظریه، افرادی که کیفیت اجتماعی پایینی دارند، از منابع مالی محروم می‌شوند. سرانجام به اعتقاد اوماری و هیتنمار^۱ (۲۰۲۰) تأثیر کیفیت اجتماعی بر طرد از خدمات اساسی، مطرح است که البته مهم‌ترین جنبه از تأثیرگذاری کیفیت اجتماعی بر طرد اجتماعی است؛ زیرا در این حالت، فرد به طور کلی از اجتماع به دور است. زیرا او از هر گونه خدمات محروم می‌باشد (همان: ۲۶۸-۲۶۴).

فرضیه‌ی تحقیق

فرضیه‌ی کلی

- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی رابطه وجود دارد.

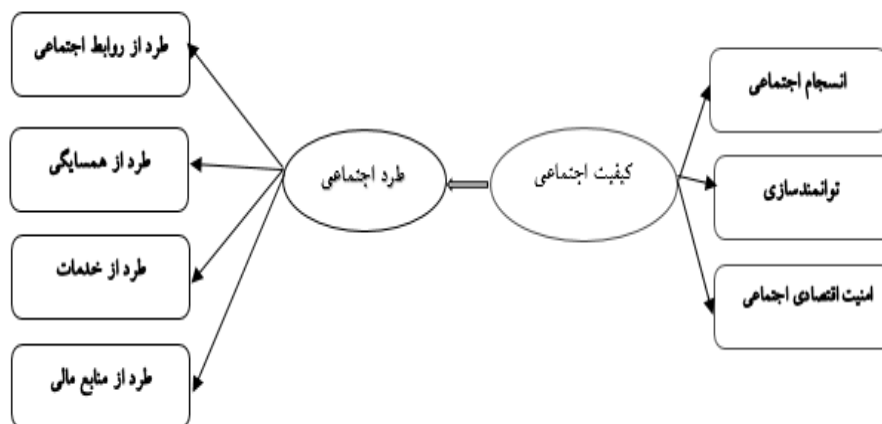
فرضیه‌ی جزئی

- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد از روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد از روابط همسایگی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد از خدمات اساسی رابطه وجود دارد.

¹ - Avemarie& Hintermar

- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد از منابع مالی رابطه وجود دارد.

مدل مفهومی



شکل ۱- مدل مفهومی

روش پژوهش

روش تحقیق مقاله‌ی حاضر پیمایشی از نوع تحقیقات مقطعی است. واحد تحلیل فرد است. جامعه‌ی آماری گودارها و یا جوگی‌ها هستند که به عنوان گروه‌های اجتماعی مطرود و حاشیه‌ای در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شهری، از جمله شهرهای بهشهر، نکا، بابل، میاندرد، ساری، نور و... به تعداد ۱۸۹۲۰ نفر زندگی می‌کنند. نمونه‌ی تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی، که طبق فرمول کوکران برابر با ۲۷۷ نفر برآورد شده است. برای اندازه‌گیری اعتبار گویه‌ها و سوالات از اعتبار محتوایی استفاده شد. محقق پس از تعاریف عملیاتی متغیرها و تدوین پرسش‌نامه، ابتدا با پخش پرسش‌نامه در بین تعدادی از جامعه‌ی آماری، آلفای کرونباخ را محاسبه نموده است. برای متغیر وابسته‌ی طرد اجتماعی، ۴۶ گویه طراحی شده است که هر کدام به تفکیک مؤلفه‌ها عبارتند از: سوالات ۱-۱۹ برای مؤلفه‌ی امنیت اجتماعی - اقتصادی، سوالات ۲۰ تا ۳۳ برای سنجش انسجام اجتماعی، سوالات ۳۴-۴۶ برای سنجش توانمندسازی. گویه‌های ۴۶-۷۵ برای سنجش متغیر مستقل کیفیت اجتماعی تدوین گردید که بدین شرح می‌باشد: سوالات ۴۷-۵۱ طرد از همسایگی، سوالات ۵۲-۶۱ مربوط به طرد از روابط اجتماعی، سوالات ۶۲-۶۷

مربوط به طرد از منابع مالی و سوالات ۶۸-۷۵ مربوط به طرد از خدمات اساسی. تعدادی از گویه‌های نامناسب که سبب کاهش پایایی شدند، حذف و تعدادی نیز تغییر یافته و مورد آزمون مجدد قرار گرفتند و به همراه سایر گویه‌ها که پایایی قابل قبول را داشته‌اند وارد پرسش‌نامه‌ی اصلی گردیده و برای مرحله‌ی نهایی مورد آزمون قرار گرفتند. با توجه به ضریب آلفاهای به‌دست‌آمده، ابزار مورد نظر از پایایی کافی و قابل قبول برخوردار است.

جدول شماره‌ی یک- تعاریف مفهومی متغیر مستقل تحقیق

تعریف مفهومی	متغیر مستقل و مؤلفه‌های آن
کیفیت اجتماعی، به چهار حوزه اشاره دارد: امنیت اقتصادی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی اجتماعی، این چهار مورد به عنوان بخشی چهارگانه، در نظر گرفته می‌شوند که حاصل رابطه‌ی بین فرآیندهای جهانی و بیو گرافیکی (فرآیندهای زندگی شخصی) از یک سو و سیستم‌ها، موسسات و جوامع از سوی دیگر هستند (وحید، ۱۳۹۳: ۸).	کیفیت اجتماعی
به معنای استحکام درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. به تعبیر فرهنگ لاروس، موقعیت گروهی است که یک مجموعه کاملاً پیوسته را در برمی‌گیرد. فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین ^۱ انسجام اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی توصیف می‌کند که وحدت یک گروه یا یک جامعه را مشخص می‌کند (پیترز و همکاران، ۲۰۰۹: ۴).	انسجام اجتماعی
یک مجموعه از رفتارها و یک برنامه‌ی سازمانی است. به عنوان یک مفهوم عبارتست از اعطای اختیار تصمیم‌گیری به مرئوسان. به عنوان یک مجموعه از رفتارها، به معنی سهم کردن گروه‌های خودگردان و افراد در تعیین سرنوشت حرفه‌ای خود (دسترنج، ۱۳۸۳: ۱).	توانمندسازی
امنیت اجتماعی عبارت است از تضمین پاسداری از جامعه در برابر خطرات و تهدیدات و ایجاد کسب فرصت‌ها به منظور ارتقا و بهینه‌سازی جامعه (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۱). امنیت اقتصادی عبارت است از تضمین دارایی‌های افراد خانواده از سرقت و دزدی و اطمینان خاطری که از تأمین نیازهای مادی و مالی خانواده حاصل می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۹۴).	امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی

^۱ - Almond Colin

جدول شماره‌ی دو- تعاریف مفهومی متغیر وابسته‌ی تحقیق

متغیر وابسته و مؤلفه‌های آن	تعریف نظری
طرد اجتماعی	واحد طرد اجتماعی اروپا (۲۰۰۱) طرد اجتماعی را این گونه تعریف کرده است: طرد واژه‌ای جامع برای توصیف حالت‌هایی است که در آن افراد یا حوزه‌های گوناگون از ترکیبی از مشکلات به هم پیوسته مثل عدم اشتغال، عدم مهارت، درآمد پایین، خانواده فقیر و از هم پاشیده، بیماری و زندگی در محیطی با جرائم بالا رنج می‌برند (رهنما، ۱۳۹۶: ۱۰۱).
منابع مالی	مال آن چه در ملک کسی باشد و آن چه ارزش مبادله داشته باشد، دارایی، خواسته و.... (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۱۲۶).
ارتباط اجتماعی	اصطلاحی است کلی که از آن برای بیان تمامی اشکال روابط اجتماعی با مشارکت آگاهانه افراد یا گروه‌ها استفاده می‌شود و وسایل ارتباط اجتماعی، علامات، حرکات، نمادها، سخن و صور مربوط به زبان و هر بیان معنی‌دار را دربر می‌گیرد (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۴۴).
خدمات اجتماعی	خدمات اجتماعی یعنی خدمتی که در ظرف اجتماع تجلی پیدا می‌کند و در مناسبات انسانی تحقق می‌یابد.
همسایگی	در فرهنگ دهخدا همسایه به معنی هم‌دیوار. دو تن یا دو خانواده که در کنار هم خانه دارند یا در دو قسمت یک خانه زندگی کنند. واحد همسایگی از مفاهیمی است که در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و طراحی، توجه بسیاری از شهرسازان و محققین را به خود معطوف ساخته است. این توجه ناشی از اهمیت مفهوم توسعه‌ی پایدار و نقش واحد همسایگی در شکل‌گیری اجتماعات محلی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی پایدار شهری است ^۱ (انجمن برنامه‌ریزی آمریکا، ۲۰۰۶).

^۱ American planning Association, 2006

یافته‌های توصیفی پژوهش

جدول شماره‌ی سه- توصیف متغیر جنس و سن

گروه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	مرد	۱۴۲	۵۱/۳
	زن	۱۳۵	۱۰۰/۰
	کل	۲۷۷	۱۰۰/۰
سن	۲۰-۱۳	۴۱	۱۴/۸
	۲۷-۲۰	۵۶	۲۰
	۳۵-۲۷	۷۷	۲۸
	۶۰-۳۵	۹۶	۳۴/۷
	۷۰-۶۰	۷	۲/۵
	کل	۲۷۷	۱۰۰/۰

براساس یافته‌های جدول بالا، حدود ۵۱ درصد از پاسخ‌گویان مرد بوده و حدود ۴۹ درصد دیگر زن می‌باشند. به این ترتیب مشاهده می‌گردد که تعداد نسبتاً برابری از مردان و زنان در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. همچنین طبق یافته‌های آماری مرتبط با متغیر سن، می‌توان گفت حدود ۱۵ درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی ۱۳ تا ۲۰ ساله یا گروه سنی نوجوانان قرار دارند. ۲۰ درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۷ ساله قرار داشته‌اند. حدود ۲۸ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که به گروه سنی ۲۷ تا ۳۵ سالگی اختصاص دارند. حدود ۳۵ درصد از پاسخ‌گویان متعلق به گروه سنی ۳۵ تا ۶۰ سالگی بوده‌اند که این گروه بیش‌ترین میزان فراوانی را نسبت به سایر گروه‌ها دارا می‌باشند و سرانجام ۲/۵ درصد از پاسخ‌گویان گروه سنی خویش را ۶۰ تا ۷۰ ساله بیان کرده‌اند که کم‌ترین میزان فراوانی را نسبت به سایر گروه‌ها دارند.

جدول شماره‌ی چهار- آماره‌های حاصل از متغیر سن، کیفیت اجتماعی، طرد اجتماعی

متغیر	تعداد	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس
سن	۲۷۷	۱۳	۷۰	۳۳/۴۲	۱۱/۹۶	۱۴.۱۴۳
کیفیت اجتماعی	۲۷۷	۹۱	۲۰۷	۱۳/۷۹	۱/۴۹۵	۲۲۳۶۵
طرد اجتماعی	۲۷۷	۵۴	۹۰	۶۹/۸۸	۵/۸۶	۳۴/۳۸

در جدول بالا آماره‌هایی کمی برای متغیر سن از جمله میانگین، انحراف استاندارد و واریانس ارائه شده‌اند. بر اساس نظریه‌ها، کیفیت اجتماعی شامل ابعادی است که با توجه به نتیجه‌ی به دست آمده از تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد تحلیل مسیر، سه بعد امنیت اجتماعی- اقتصادی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی قابل شناسایی است که در ادامه توصیف و ارزیابی می‌شوند. داده‌های جدول بالا در متغیر طرد اجتماعی نشان می‌دهند که نمره‌ی میانگین نسبتاً بالا حاصل شده است. این داده‌ها نیز به نوعی مؤید یافته‌هایی می‌باشند که در بخش قبلی توصیف شد.

یافته‌های استنباطی پژوهش

فرضیه‌ی کلی: بین کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره‌ی پنج- داده‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون

آزمون همبستگی پیرسون		همبستگی	سطوح معناداری
کیفیت اجتماعی	طرد اجتماعی		
		-۰/۳۵	۰/۰۰۱

داده‌های حاصل از آزمون نشان می‌دهند که رابطه‌ی معنادار و معکوسی میان کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی وجود دارد؛ به این معنا که هرچه کیفیت اجتماعی گروه اقلیت گودار و جوگی بالاتر باشد، طرد اجتماعی پایین‌تر می‌باشد و برعکس، هرچه کیفیت اجتماعی پایین‌تر باشد، طرد اجتماعی افزایش می‌یابد.

- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی و طرد از روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین کیفیت اجتماعی طرد از روابط همسایگی، طرد از روابط اجتماعی، طرد از خدمات اساسی و طرد از منابع مالی رابطه وجود دارد.
- جدول شماره‌ی شش- آزمون فرضیه‌های تحقیق: رابطه‌ی میان مؤلفه‌های کیفیت اجتماعی با طرد اجتماعی و مؤلفه‌های آن

طرد اجتماعی		مؤلفه‌های طرد اجتماعی								همبستگی پیرسون
		طرد از خدمات اساسی		طرد از منابع مالی		طرد از روابط اجتماعی		طرد از همسایگی		
S	P	S	P	S	P	S	P	S	P	
۰/۰۰۰	۰/۲۲۵**	۰/۰۰۰	۰** -۱۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۱**	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۷**	۰/۲۹۸	-۰/۰۶۳	کیفیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۳۴۹**	۰/۰۱	-۰/۰۴۹**	۰/۰۰۰	۰/۴۳۷**	۰/۰۰۰	۰/۱۷۲**	۰/۸۷۱	-۰/۰۱۰	امنیت اجتماعی- اقتصادی
۰/۰۴	۰/۱۱۵**	۰/۰۰۰	۰/۲۱۵**	۰/۰۴	۰/۱۱۹**	۰/۰۱۵	۰/۱۴۶**	۰/۸۷۹	۰/۰۰۹	انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۱۶۸**	۰/۰۳	۰/۰۹۸**	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸**	۰/۰۲۴	۰/۰۷۸**	۰/۰۲۵**	۰/۱۳۵	توانمندسازی

براساس یافته‌های آماری، مؤلفه‌های کیفیت اجتماعی با طرد اجتماعی و همچنین کلیه‌ی مؤلفه‌های این دو متغیر با یکدیگر (جز در مورد رابطه‌ی میان مؤلفه‌ی طرد از همسایگی با کیفیت اجتماعی و دو مؤلفه‌ی آن یعنی امنیت اجتماعی- اقتصادی و انسجام اجتماعی) رابطه‌ی معناداری دارند.

جدول شماره‌ی هفت- آزمون Kmo و کرویت بارتلت

مقادیر	شاخص
۰/۷۰۵	آزمون کافی بودن حجم نمونه Kmo
۷۷۹۶/۵	آزمون کرویت بارتلت
۲۷۷۵	درجه‌ی آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

در این قسمت رابطه‌هایی که میان متغیرها و در میان اعضای نمونه‌ی آماری مشاهده می‌شوند، در جامعه‌ی آماری و از طریق آزمونی، سنجیده می‌شوند. یک فرضیه‌ی اصلی و ۴ فرضیه‌ی فرعی مطرح می‌باشد. فرضیه‌ی اصلی مربوط به رابطه‌ی میان کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی و فرضیات فرعی مربوط به رابطه‌ی میان کیفیت اجتماعی با هر یک از مؤلفه‌های طرد اجتماعی می‌باشد.

سنجش برازش مدل

جدول شماره‌ی هشت- داده‌های آزمون معادلات ساختاری

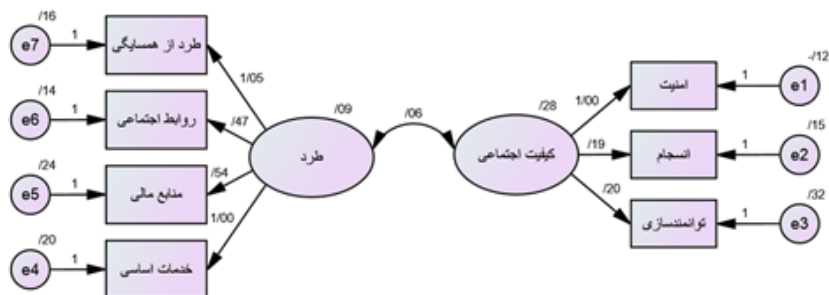
	X ₁	X ₂	X ₃
Y	۰/۳۴۹	۰/۱۱۵	۰/۱۶۸

جدول شماره‌ی نه- آزمون‌های آماری برای سنجش نیکویی برازش مدل ترسیمی

مدل	X2/df	RMSEA	NFI	CFI	GFI	IFI	RFI	PRATIO	PNFI	PCFI	SRMR
میزان قابل قبول	<۲	<۰/۱	≥۰/۹	≥۰/۹	≥۰/۹	≥۰/۹	≥۰/۹	≥۰/۵۰	≥۰/۶	≥۰/۶	<۰/۸
محاسبه‌شده	۱/۹۳	۰/۰۷	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۷۱	۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۰۳

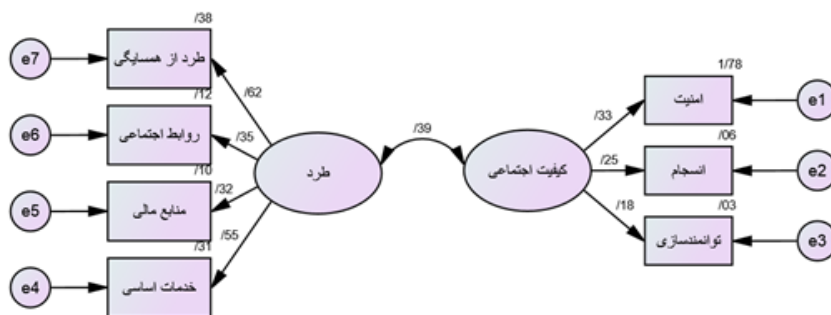
مقدار RMSEA به‌دست‌آمده مقدار ۰/۰۷ می‌باشد که با توجه به مقدار استاندارد کم‌تر از ۰/۱، مطلوب است. مقدار کای دو به درجه‌ی آزادی ۲/۶۶۶ و کوچک‌تر از ۳ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، برابر با ۰/۹۶ در حد بسیار مطلوب قرار دارند. داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که معادلات ساختاری از برازش و نیکویی کافی برخوردار هستند؛ زیرا اغلب مؤلفه‌ها نمره‌ی مطلوبی را به دست آورده‌اند. لازم به ذکر است که علاوه بر فرضیه‌های بیان‌شده، رابطه‌های دیگری نیز میان مؤلفه‌های هریک از متغیرها با یکدیگر وجود دارد که وجود آن‌ها نیز ثابت شده است. به عنوان نمونه این مدل نشان می‌دهد که مؤلفه‌ی توانمندسازی از متغیر کیفیت اجتماعی بر طرد از خدمات اساسی مؤثر می‌باشد و این رابطه نیز منفی است. به این معنا که هرچه میزان توانمندسازی در مورد پاسخ‌گویان مورد مطالعه بیش‌تر صورت گیرد، طرد آن‌ها از خدمات اساسی کم‌تر رخ می‌دهد و برعکس. یا میان مؤلفه‌ی انسجام از متغیر کیفیت اجتماعی با مؤلفه‌ی طرد از رابطه‌ی اجتماعی از متغیر طرد اجتماعی رابطه‌ی معنادار و منفی وجود دارد؛ به این ترتیب که هرچه انسجام اجتماعی بیش‌تر باشد، طرد از رابطه‌ی اجتماعی کم‌تر صورت می‌گیرد و برعکس. در مجموع مدل مذکور نشان می‌دهد که کیفیت اجتماعی، می‌تواند به میزان نسبتاً زیادی کاهش طرد اجتماعی را به همراه داشته باشد. در این جدول، آماره‌های مختلفی برای سنجش برازش مدل طراحی شده، به کار رفته‌اند که همگی حاکی از تأیید مدل می‌باشند.

تحلیل عامل مرتبه اول
روش محاسبه ضرایب: حداکثر درستمایی
Unstandardized estimates



نمودار شماری یک- تحلیل عامل مرتبه‌ی اول: روش محاسبه‌ی ضرایب غیر استاندارد

تحلیل عامل مرتبه اول
روش محاسبه ضرایب: حداکثر درستمایی
Standardized estimates



نمودار شماری دو- تحلیل عامل مرتبه‌ی اول: روش محاسبه‌ی ضرایب استاندارد

داده‌های بالا نشان می‌دهند که مدل طراحی‌شده توسط محقق، برازش کافی را دارا می‌باشد.

بنابراین مفهوم طرد اجتماعی در قالب کیفیت اجتماعی قابل تبیین است، مدل مفهومی فوق این

مهم را تأیید می‌کند. با توجه به نتایج زیر که از خروجی نرم‌افزار ایموس ۲۵ به دست آمده است، برازش مناسب مدل را نتیجه می‌گیریم.

جداول زیر محدوده‌ی دامنه‌ی شاخص و نیکویی برازش را نشان می‌دهند:

جدول شماره‌ی ده- بار عاملی ابعاد متغیر وابسته برازش شده

متغیرها	بار عاملی
امنیت اجتماعی	۰/۳۳
انسجام اجتماعی	۰/۲۵
توانمندسازی	۰/۱۸
طرد از همسایگی	۰/۶۲
روابط اجتماعی	۰/۳۵
منابع مالی	۰/۳۲
خدمات اساسی	۰/۵۵

جهت بررسی پایایی سازه‌ها فورنل و لاکر^۱ (۱۹۸۱) پایایی ترکیبی هریک از سازه‌ها و آلفای کرونباخ را پیشنهاد می‌دهند. برای بررسی پایایی ترکیبی هر یک از سازه‌ها از ضریب CR استفاده می‌شود. مقادیر قابل پذیرش CR باید ۰/۶ یا بیش‌تر باشند. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول است. در جدول (۱۱) مقدار ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE (متوسط واریانس استخراج‌شده که باید بزرگ‌تر از ۰/۵ باشد) آورده شده است که نشان-دهنده‌ی مناسب‌بودن پایایی متغیرهای تحقیق در کل می‌باشد.

جدول شماره‌ی یازده- مقادیر پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	AVE
امنیت اجتماعی	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۸۳
انسجام اجتماعی	۰/۸۹	۰/۹۶	۰/۸۴
توانمندسازی	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۷۵

^۱ -Fornell and Locker

۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۸۶	طرد از همسایگی
۰/۸۵	۰/۹۵	۰/۸۷	روابط اجتماعی
۰/۸۴	۰/۹۳	۰/۸۳	منابع مالی
۰/۸۷	۰/۹۶	۰/۸۴	خدمات اساسی

نتایج آزمون روابط در مدل کلی تحقیق در جدول (۱۲) آورده شده است.

جدول شماره‌ی دوازده- نتایج سطح معناداری رابطه‌ها

خطای استاندارد	متغیر	تأثیر	متغیر
۰/۷۸۲	امنیت اجتماعی	<---	طرد از همسایگی
۰/۴۲۹	انسجام اجتماعی	<---	طرد از همسایگی
۰/۵۲۲	توانمندسازی	<---	طرد از همسایگی
۰/۴۸۶	امنیت اجتماعی	<---	روابط اجتماعی
۰/۴۷۳	انسجام اجتماعی	<---	روابط اجتماعی
۰/۵۶۹	توانمندسازی	<---	روابط اجتماعی
۰/۳۳۰	امنیت اجتماعی	<---	منابع مالی
۰/۷۳۶	انسجام اجتماعی	<---	منابع مالی
۰/۶۹۱	توانمندسازی	<---	منابع مالی
۰/۸۵۲	امنیت اجتماعی	<---	خدمات اساسی
۰/۹۹۲	انسجام اجتماعی	<---	خدمات اساسی
۰/۳۴۸	توانمندسازی	<---	خدمات اساسی

با توجه به خروجی نرم‌افزار آموس و سطوح معناداری برای تحلیل عاملی تأییدی کلی در جدول ۱۲، تمامی عامل‌ها از بار عاملی مناسبی برخوردار بودند و رابطه‌ی آن‌ها با متغیر مکنون در ظاهر تأیید شده است.

نتیجه‌گیری

رویکرد طرد اجتماعی در مقایسه با رویکردهای درآمدی درک عمیق‌تر و جامع‌تری از ریشه‌ها و ابعاد محرومیت به دست می‌دهد. این رویکرد محرومیت را پدیده‌ای چندوجهی می‌داند که فراتر از کمبودهای مادی متنوعی از محرومیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد. از آنجایی که در برخی از مناطق دنیا اقلیت‌های اجتماعی از بسیاری از منابع اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... محروم هستند، از این رو مقاله‌ی حاضر با رویکرد مطالعه‌ی جامعه‌شناختی گروه‌های مطرود اجتماعی با تأکید بر کیفیت اجتماعی تدوین شده است. همان طور که یافته‌های

تحقیق نشان داده، بین کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی رابطه وجود دارد. این امر با نتایج یافته‌های اشنایدر (۲۰۲۰) مطابقت دارد که نشان داده‌اند رابطه‌ی معنا دار اما معکوسی میان این دو متغیر وجود دارد؛ به این معنا که آن دسته از افرادی که کیفیت اجتماعی پایینی را گزارش کرده بودند، طرد اجتماعی را بیش‌تر تجربه کرده‌اند و برعکس، کیفیت اجتماعی در میان آن دسته از پاسخ‌گویانی که طرد اجتماعی بالایی را گزارش کرده بودند، به شدت پایین بود. از سوی دیگر بر اساس آزمون معادلات ساختاری، مشخص شد که مؤلفه‌ی مشارکت اجتماعی کم‌ترین رابطه و ثبات اجتماعی بیش‌ترین رابطه را با طرد اجتماعی دارا بوده است.

دو فرضیه‌ی دیگری که در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته است، نشان از رابطه‌ی بین کیفیت اجتماعی و طرد از منابع مالی و خدمات اساسی است. اوماری و همکاران (۲۰۲۰) و هیلاری سیلور (۲۰۰۷) به رابطه‌ی مفهومی بین طرد اجتماعی و طرد از خدمات اساسی، تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها و سطوحی که می‌توان در آن سطوح فرآیند طرد را تحلیل نمود می‌پردازند. همچنین کارد و رافائل (۲۰۱۳) مسایل مرتبط با رقابت در بازار کار، پایگاه اجتماعی اقتصادی، الگوهای حاشیه‌نشینی فضایی و پراکندگی و پیامدهای آن‌ها بر فقر، تحرک اجتماعی و اثر زمینه‌ای طبقه‌ی اجتماعی مهاجران و فرهنگ قومی بر طرد اجتماعی را نمایان ساختند. نتایج تحقیقات برمن و فیلیپس (۲۰۱۶) در رابطه با شاخص‌های کیفیت اجتماعی و طرد اجتماعی در میان سطوح ملی و اجتماعی جامعه طراحی مطابقت دارد که نشان دادند کیفیت اجتماعی گروه‌های مطرود نسبت به دیگر گروه‌ها پایین‌تر می‌باشد.

از سوی دیگر یافته‌های تحقیق نشان داده بیش‌ترین فراوانی به افرادی با میزان طردشوندگی اختصاص داشته است یا به عبارتی آن چه محقق در فرآیند حضور در منطقه، مصاحبه دریافت و همچنین سوالات مربوط به انسجام اجتماعی نشان می‌دهد، گودارها، اگرچه در بین خودشان تأیید شده‌اند، اما از سطح پایین پذیرش از سوی سایر شهروندان عادی برخوردار هستند. این نتایج با یافته‌های تحقیق سبکتکین ریزی و موسی زاده (۱۳۹۶) همخوانی دارد که نشان دادند بیش از نیمی (۵۰/۷ درصد) از اجتماعات هدف از نظر میزان طرد اجتماعی در سطح بالا و (۴۰/۸ درصد) نیز در سطح متوسط قرار دارند. بیش‌ترین فراوانی به کیفیت اجتماعی پایین اختصاص داشته است. همچنین آن دسته از افرادی که کیفیت اجتماعی پایینی را گزارش کرده بودند، طرد اجتماعی را بیش‌تر تجربه کرده‌اند؛ زیرا این افراد به عنوان اقلیت به ارزیابی ذهنی برخی شاخص‌هایی از پیشرفت اجتماعی، شاخص رفاه و شاخص توسعه‌ی انسانی خود به عنوان اساس و شالوده‌ی

کیفیت اجتماعی می‌پردازند، درباره آن به قضاوت می‌نشینند و اگر در نهایت، بین امکانات، داشته و ارزش‌های خود با سایر افراد جامعه اختلاف ببینند احساس حقارت می‌کنند و در نتیجه منجر به افزایش فاصله‌ی اجتماعی، کاهش همبستگی و انسجام بین آن‌ها و دیگر آحاد جامعه می‌شود. در این تحقیق، از پاسخ‌دهندگان درباره‌ی امنیت اجتماعی و توانمندسازی سوال شده و شرایط انسجام اجتماعی را در اجتماع با سؤالاتی درباره‌ی حس اعتماد اجتماعی و حس تعلق به شهر پاسخ-دهندگان مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعاتی که از طریق مصاحبه و مشاهده به دست آمده می‌توان گفت محلاتی که افراد ساکن آن هستند، از کیفیت اجتماعی پایین‌تری برخوردارند. از نظر بک و دیگران (۲۰۱۱) هدف از رویکرد کیفیت اجتماعی ساختن گفت‌وگو بین خودمحقق‌سازی افراد و تشکیل هویت‌های گروهی است. علاوه بر این دانشمندان استدلال می‌کنند رویکرد کیفیت اجتماعی نه تنها استانداردهای معیشت افراد را اندازه می‌گیرد، بلکه روندهای تغییر اجتماعی را هم اندازه‌گیری می‌کند. در تحلیل کیفیت اجتماعی که کانون تمرکز آن نظام اجتماعی است، به طور کل بعد رابطه‌ای اصل اجتماعی منعکس می‌شود و باعث می‌شود که توجه ما به طرف تحلیل بافتی نظام اجتماعی فراتر از شاخص‌های کیفیت زندگی برود. از این رو می‌توان گفت تئوری کیفیت اجتماعی یک جامعه‌ی فعال و منسجم است که می‌تواند به درک ماهیت و شرایط اجتماعی زندگی خوب کمک کند.

با توجه به مباحث مطرح‌شده پیشنهاد می‌گردد تا برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی در بین گروه‌های مطرود اجتماعی که غالب آن در مناطق و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی سکنی دارند، به ویژه جلوگیری از شیوع آن برای کل افراد جامعه زمینه‌ی رفاه اجتماعی ساکنین فراهم گردد، مدیران ارشد جامعه با در اختیار قرار دادن امکانات مناسب، به این افراد هویت ببخشند تا با افزایش سطح کیفیت اجتماعی، توانمندسازی و امنیت اقتصادی اجتماعی این افراد افزایش یابد. از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود در زمینه‌ی رابطه‌ی بین دو متغیر، تحقیقاتی با جامعه‌ی آماری گسترده-تری صورت پذیرد، تا قدرت تبیینی این نظریه در بونه‌ی آزمایش مجدد قرار گیرد. به ویژه با مطالعه‌ی تطبیقی بین حاشیه نشینان و شهرنشینان و اطلاع از میزان طردشوندگی افراد مناطق حاشیه نشین، به این سوال پاسخ داده شود که آیا این نوع طرد شوندگی به اراده‌ی افراد بوده است و یا به اجبار چنین سبک و کیفیت زندگی را انتخاب کردند؟.

منابع

۱. ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۳) «فقر درآمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت»، **فصل‌نامه‌ی تأمین اجتماعی**، سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۵: ۳۷-۵۹.
۲. احدیان، صونا و محمدسالار کسرائی (۱۳۹۷) «سنجش احساس طرد اجتماعی دانش-جوین دانشگاه‌های زنجان، جامعه‌ی پژوهشی فرهنگی»، **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی**، سال نهم، شماره‌ی اول: ۲۸-۱.
۳. بیرو، آلن (۱۳۷۵) **فرهنگ علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸) **ترمینولوژی حقوق**، تهران: انتشارات گنج دانش.
۵. حمیدیان، اکرم، زاهدی، محمدجواد، ملکی امیر، انصاری، ابراهیم (۱۳۹۴) «بررسی رابطه-ی نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و طرد اجتماعی گروه‌ها در کلان‌شهر اصفهان»، **دو فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر**، سال چهارم، شماره‌ی ۶، بهار و تابستان: ۳۲-۱.
۶. خواجه صالحانی، افسانه و منصوره اعظم آزاده (۱۳۹۴) «تشخص محله و احساس طرد اجتماعی (مطالعه‌ی موردی شهر پاکدشت)»، **رفاه اجتماعی**، شماره‌ی ۵۹، علمی-پژوهشی (وزارت علوم، ۳۰): ۱۲۰-۹۱.
۷. دسترنج، حکمت‌الله (۱۳۸۳) «**توانمندسازی و فناوری اطلاعات**»، مجله‌ی تدبیر، شماره-ی ۱۴۵: ۸۳-۱۰۲.
۸. رضایی، محمدرضا و محسن کمانداری (۱۳۹۳) «بررسی و تحلیل علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شهر کرمان، نمونه‌ی مورد مطالعه محلات سیدی و امام حسن»، **فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی جغرافیا**، سال چهارم، شماره‌ی چهارم (پیاپی ۱۵): ۱۹۶-۱۷۹.
۹. رهنما، فاطمه (۱۳۹۶) **طرد اجتماعی سال‌مندان**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۰. ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۱) **ایران‌شناسی: جوگی‌های مازندران، فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات ملی**، تابستان ۱۳۸۱ - شماره‌ی ۱۲: ISC: ۱۶۰-۱۳۷.

۱۱. زاهدی محمدجواد، دانش پروانه، راد فیروز، مجرب قوشچی رضا (۱۳۹۶) « طرد اجتماعی در زندگی زنان فقیر شهری (مطالعه موردی: زنان فقیر شهری تحت پوشش کمیته امداد شهرستان ارومیه)» زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) سال پانزدهم، شماره‌ی ۳: ۳۱۰-۲۹۱.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
۱۳. سبکتکین ریزی، قربانعلی و ایوب موسی زاده (۱۳۹۶) «بررسی جامعه‌شناختی رابطه‌ی بین کیفیت زندگی و طرد اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان منطقه‌ی ۱۸ شهر تهران)»، *فصل‌نامه‌ی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره‌ی ۲۳: ۲۵۳-۲۲۱.
۱۴. صالحی امیری، سیدرضا و زهرا خدائی (۱۳۹۰) *حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی: چالش‌ها و پیامدها*، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۵. فیروزآبادی، سیداحمد و علیرضا صادقی (۱۳۹۲) *طرد اجتماعی رویکردی جامعه-شناختی به محرومیت*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۶. قاضی نژاد، مریم و ساوالان پورالهام (۱۳۸۷) «طرد اجتماعی جوانان: علل و پیامدها»، *مجله‌ی بررسی مسایل اجتماعی ایران*، ۱ (۴۰): ۱۸۰-۱۳۹.
۱۷. محمدی، جمال؛ دانش مهر، حسین و عثمان هدایت (۱۳۹۸) «تجربه‌ی طرد اجتماعی: مورد مطالعه‌ی هه ورامی‌های شهر مریوان»، *مسایل اجتماعی ایران (دانشگاه خوارزمی)*، ۱۰ (۱): ۲۳۹-۲۶۲.
۱۸. نامنی ابراهیم؛ نامنی، روح اله و موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۷) «بررسی تأثیر طرد اجتماعی غربت‌ها بر احساس امنیت اجتماعی ساکنین شهر سبزوار»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۹ (۵۳): ۳۳-۶۲.
۱۹. نجاتی، فاطمه (۱۳۹۵) «واژه‌های رمزی مطربی در گونه‌ی زبانی گوداری در شهرستان بهشهر»، *یازدهمین گردهمایی بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی*، دانشکده‌ی گیلان: ۱۴۸۷-۱۴۹۵.
۲۰. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲) «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، *فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره‌ی اول: ۷۶-۵۵.

۲۱. وحید، فریدون؛ ودادهیر، ابوعلی و محمد فرنام (۱۳۹۳) «نشاط عمومی در زندگی اجتماعی- فرهنگی شهر: مطالعه‌ای با رویکرد تئوری کیفیت اجتماعی در شهر اردبیل»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)*، ۴ (۱۱): ۳۴-۱.

22. Avemarie, Laura; Hintermair, Manfred (2020). Soziale Teilhabe und Lebensqualität von inklusiv beschulten Kindern mit Hörschädigung aus der Perspektive von Grundschullehrkräften, *Empirische Sonderpädagogik* 12, 3: 223-240

23. Berman Yitzhak and Phillips David (2016). Indicators of Social Quality and Social Exclusion at National and Community Level, *Social Indicators Research*, 50 (3): 329-350.

24. Dotan, A. & Zaidman-Zait, A. (2017). Everyday stressors in deaf and hard of hearing adolescents: The role of coping and pragmatics. *Journal of Deaf Studies and Deaf Education*, 22, 257-268.

25. Follen, S. N & Kellay, P. T (2014). Modulhandbuch Soziale Arbeit und Teilhabe, Hochschule Ravensburg-Weingarten Postfach, 30, 22: 40-69.

26. Lin, ka (2013) A methodological exploration of social quality research: A comparative evaluation of the quality of life and social quality approaches, *International Sociology*. Volume 28, number 3, may: 316-334.

27. Peters, Karin & Etal. (2009): "Social interactions in Urban Parks: Stimulating social cohesion?" *Urban Forestry & Urban Greening*, Wageningen university. The Netherlands

28. Silver, Hilary. (2007) "From poverty to social Exclusion: Lessons from Europe", *Poverty & race*, 16: 57-70

29. -Tallen, E. D (2015). Soziale Ausgrenzung von Erstklässlerinnen und Erstklässlern mit sonderpädagogischem Förderbedarf im Gemeinsamen Unterricht, *Empirische Sonderpädagogik*, Nr 1, S, 59-75.